

سفینه بولونیا و انتساب اشتباه اشعار*

محمدرضا ضیاء

با تاج و کلاه، سلطان دین مسعودشاه» (همان). بقیه اشعار، دارای نام شاعر نیست و در ابتدای آنها عناوینی همچون «ایضاً له» دارد. ولی مسئله مهم و اصلی اینجاست که مابقی اشعاری که در سفینه آمده است و ایشان به اسم «فخرالدین رازی معروف به سیفی» نقل کرده‌اند، کلاً از کمال اسماعیل، شاعر مشهور است و همه یازده قصیده و یک ترکیب‌بند و یک قطعه در دیوان او موجود! دلیل این اشتباه به طور قطعی بر من واضح نشد. با توجه به شهرت و محبوبیت کمال اسماعیل و میزان بالای توجه قدما به کمال اسماعیل^۲ بعید می‌دانم این اشتباه از طرف صاحب سفینه صورت گرفته باشد. به خصوص که برخی از این اشعار از سروده‌های مشهور کمال اسماعیل است. فهرست اشعار کمال اسماعیل که در این مقاله به نام «سیفی» آمده، چنین است (شماره صفحات بر اساس دیوان کمال اسماعیل):

ترکیب‌بند «ای جز به احترام خدایت نبرده نام...»، صص ۲-۸
 قصیده «ای دل چو آگهی که فنا در پی بقاست...»، ص ۱۵
 قصیده «رسول مرگ ز ناگه به من رسید فراز...»، ص ۲۲
 قصیده «ای دل ترا که گفت به دنیا قرار گیر...»، ص ۲۶
 قصیده «ایا به گام هوس راه عمر پیموده...»، ص ۲۷
 قصیده «بسیط روی زمین باز گشت آبادان...»، ص ۳۴
 قصیده «خدای داد به ملک زمانه دیگر بار...»، ص ۳۸
 قصیده «تا دلم در خم آن زلف پریشان باشد...»، ص ۴۵
 قطعه «ایا شهی که ضمیرت به چشم گوشه فکر / رموز غیب ز لوح ازل فرو خواند»، ص ۳۹۳^۳

مرحوم ایرج افشار، در مجله نشر دانش مقاله‌ای با عنوان «هشت شاعر سده ششم و هفتم در سفینه بولونیا» منتشر کرده بود.^۱ این سفینه حاوی اشعاری از هشت شاعر است که سه تن از آنها ناشناخته‌اند» (همان، ص ۱۷). استاد در این مقاله این سفینه و شاعران موجود در آن را معرفی کرده‌اند:

بیشترین بخش موجود از سفینه حاوی اشعار این شاعر (فخرالدین عمر رازی معروف به سیفی، شاید بعد از ۶۶۱) است؛ دقیقاً یک مسمط (سی و چهار بیت و هفده مصراع) و یک ترکیب‌بند (صد و یازده بیت) و یازده قصیده و یک قطعه یعنی جمعاً ششصد و بیست و نه بیت. (همان، ص ۲۱).

کل این سفینه حاوی ۱۱۳۸ بیت است. این شاعر کیست که بخش اصلی سفینه را به خود اختصاص داده است ولی تا این حد گمنام مانده است؟ «فرهنگ سخنوران نام او را نه در تخلص و نه در لقب ندارد. چه بسا که میان اشعار این شاعر و فخرالدین محمد عمر رازی (امام فخر) به علت همزمانی و همسانی لقب و نسبت تخلیط شده باشد... سیفی از مدح‌کنندگان سلغریان فارس بود.» (همان). ایشان در ادامه اشعار او را نقل می‌کنند. اولین و تنها شعری که نام شاعر در ابتدای آن درج شده است یک مسمط است؛ «مسمط هفده‌بندی... با عنوان «فخرالدین عمر الرازی المعروف بسیفی فی المسمط» و با ذکر سلطان دین مسعودشاه به مطلع: ای لعبت زهره نظر، زلفت شب و چترت سحر / سیمین بر و زرین کمر، خوشتر بسی از سیم و زر // کافور و مشک آب و گیاه، گویی که بر بالای گاه / بنشست

* تقدیم به استاد شفیعی کدکنی که با همت ایشان برای اولین بار موفق به زیارت ایرج افشار در دانشکده ادبیات شدیم. و با دروغ و درد و اندوه برای محرومیت از دیدار استاد ایرج افشار.

۱. «هشت شاعر سده ششم و هفتم در سفینه بولونیا»، ایرج افشار، در: نشر دانش (زمستان ۱۳۸۲) شماره پیاپی ۱۰۷، صص ۱۷-۲۴. پس از نوشتن این مطلب دیدم که این مقاله در کتاب سفینه و بیاض و جنگ نیز مجدداً چاپ شده است. و مرحوم افشار در پانوشت درباره «سیفی» اشاره فرموده‌اند که آقای میلاد عظیمی هم متوجه شده‌اند که این شعرها ربطی به شاعر مزبور ندارد، ولی توضیح بیشتری نداده‌اند (نک: عظیمی، ۱۳۹۰: ۲۵۶).

۲. درباره توجه قدما به کمال اسماعیل و محبوبیت بالای وی نزد فراهم‌آوردندگان جنگ‌ها، نگارنده مطلبی با عنوان «اشعار نویافته کمال اسماعیل» نوشته است که احتمالاً به‌زودی در یکی از مجلات میراث مکتوب منتشر خواهد شد.

۳. در زیرنویس این قطعه در دیوان کمال اسماعیل: این قطعه در نسخه‌ها بعد از قصیده ص ۴۵: «تا دلم در خم آن زلف پریشان باشد» آمده است.



همین قصیده محمد بن مبارز خطاب کرده است. در سلسله سلغریان کسی نداریم که نام پدرش مبارز باشد. پس از سعد بن قنقن خان متوالیاً دو محمد به قدرت رسیدند. یکی طفل خردسال سعد بود به نام محمد که به پادشاهی رسید و مادر مقتدرش موسوم به ترکان خاتون نیابت از او کرد. ولی طفلک پس از دو سال و هفت ماه مرد و جای او به محمدشاه بن سلغرشاه بن سعد زنگی داده شد و او لقب مظفرالدین داشت. این فرد هم بیش از هشت ماه بر سر قدرت نماند که درگذشت (۶۶۱). تصور می‌کنم شاعر کلمه مبارز را به جای نام پدر ممدوح از باب حشمت و ابهت دادن به اتابک مذکور به کار گرفته باشد مگر آنکه لقب او مبارزالدین می‌بوده است و شاید در مراجع آمده باشد و به چشم من نرسیده باشد.» (همان)

ایشان در ادامه با توجه به همین مسئله، حدود زمان تولد و میزان عمر او را چنین حدس می‌زنند:

به هر تقدیر باید توجه داشت که اگر شاعر در سنی حدود بیست‌سالگی سعد بن زنگی را مدح کرده باشد و در سال ۶۶۱ محمد شاه را، بیش از هشتاد و چند سال می‌باید زیسته باشد (همان).

در حالی که می‌دانیم «ولایت شبانکاره و ولایت سرحدی بین فارس و کرمان... است. ملک مظفرالدین محمد بن قطب‌الدین مبارز در سال ۶۲۴ به امارت شبانکاره رسید. این پادشاه خود شاعر و فاضل بود... کمال اسماعیل را در مدح محمد بن مبارز پنج قصیده است» (بحرالعلوم، ۱۳۴۸: نوزده). چنانچه ملاحظه گردید، این شخص ربطی به امرای سلغریان ندارد و لذا حدس‌های استاد درباره این که ممدوح کیست و نیز میزان عمر و حدود سال زندگی شاعر و عدد ۶۶۱ مردود می‌شود. ایشان غیر از این مورد، درباره ممدوح مسمط (که از کمال اسماعیل نیست) و در شعر با عنوان «سلطان دین مسعودشاه» آمده است نیز گفته‌اند: «امکان دارد منظور مسعود بن بدر از اتابکان لر کوچک باشد (۶۴۰-۶۵۸). ظاهراً سیفی که در اصفهان یعنی به همسایگی اتابکان لر می‌زیست چون انتظار محبتی از آن ملوک داشته به مدح آن شخص پرداخته است» (افشار، ۱۳۸۲: ۲۲). «سیفی در قصایدی که درباره اتابکان

قصیده «کیست آن سیاح کورا هست بر دریا گذر...» ص ۴۹
 قصیده «گرفته پایه تخت خدایگان زمین...» ص ۵۲
 قصیده «به حکمتی که خدای جهان مقدر کرد...» ص ۵۵
 (نکته جالب توجه، یکسانی ترتیب منتخبات سفینه بولونیا و دیوان کمال اسماعیل است.)

همان گونه که خود استاد نوشته‌اند، این سفینه ناقص است و افتادگی‌هایی دارد و غیر از این ناقص بودن، «از میان همین مقداری که باقی مانده است هم دو جا یکی دو ورقی افتادگی به وجود آمده است.» (همان، ص ۱۷). ایشان در پایان مقاله تصویر چند صفحه از سفینه را منتشر کرده‌اند. بنده نیز به اصل یا تصویر سفینه دسترس ندارم ولی حدس می‌زنم که بعد از مسمطی که از این شخص نقل شده، شعری به نام کمال اسماعیل موجود بوده و از میان برگه‌ها افتاده است و عنوان «ایضاً له» که در بالای باقی اشعار آمده است، به کمال اسماعیل ارجاع داشته و ایشان فکر کرده‌اند متوجه «سیفی» است.^۴ البته اگر غیر از این باشد، دیگر اشکال متوجه خود سفینه است که بیش از هفتصد بیت از کمال اسماعیل را یکجا به شاعر دیگری نسبت داده است، و اگر چنین باشد باید درباره دیگر شاعران و انتساب‌های موجود در این جنگ نیز با دیده تردید و احتیاط نگریست؛ هرچند، در مجموع نیز این سفینه چندان حاوی اشعار تازه‌ای نیست، چون حدود هفتاد درصد اشعارش در دیوان‌های چاپ شده آن شاعران موجود است. درباره اشعار کمال اسماعیل نیز در همین چند موردی که استاد افشار آورده‌اند، از نظر دقت در ضبط کلمات ضعیف است.

نکته دیگر حدس ایشان درباره ممدوحین شاعر است. گویا استاد در این مورد هم دچار اشتباه شده بودند و بر مبنای یک فرض اشتباه، نتایج غلطی نیز در ادامه گرفته‌اند. استاد چون همه ممدوحین شاعر را از اتابکان سلغری پنداشته‌اند، درباره این که محمد بن مبارز کیست به تکلف افتاده‌اند؛ ایشان در صفحه ۲۱ درباره قصیده‌ای نوشته‌اند که به علت ناقص بودن سفینه، ناتمام است:

در این قصیده از بیت زیر: «سریر ملک دارا مقام آن زبید / که تاج‌داری با دانش سکندر کرد» چنین برمی‌آید که ممدوح اخیر در فارس حکومت می‌کرده و او را در بیتی از

۴. عبارت «ایضاً له» و «و له» باز هم در نسخه‌ها در دسترس بوده است؛ از جمله در نزهةالمجالس نیز گاهی وجود این عبارت، انتساب‌های اشتباهی را باعث شده است. بنگرید به: «بررسی نزهةالمجالس»، سیدعلی میرافضلی، در: معارف ش ۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۶) شماره پیاپی ۴۰، ص ۱۰۷.

و مرجع می‌دانم کتابت از اوائل قرن هشتم دانسته شود» (همان، ص ۱۷).

با توجه به آنچه پیشتر آوردیم، اتکا به حدس‌های تاریخی دربارهٔ ممدوحان «سیفی» نمی‌تواند پشتوانه‌ای برای تاریخ نسخه قرار گیرد (با توجه به اینکه می‌دانیم محمدشاه، آن نیست که در ۶۶۱ در گذشته است). دربارهٔ عبارت «رحمه الله» هم این نکته گفتنی است که کاتب در برابر اسم سیفی این عبارت را نیاورده است و «رحمه الله» مربوط به قطعات کمال اسماعیل است، ولی چون ایشان شاعر همهٔ این قطعات را «سیفی» می‌دانسته‌اند، تنها مستثنای این عبارت را «شمس‌الدین اقطع بلیانی» ذکر کرده‌اند. در حالی که اکنون باید بدانیم که در برابر نام سیفی هم «رحمه الله» نیامده است. لذا باید دربارهٔ تاریخ نسخه و زمان زندگی «سیفی» تجدید نظر صورت گیرد.

کتابنامه:

- افشار، ایرج، «هشت شاعر سدهٔ ششم و هفتم در سفینهٔ بولونیا»، در: نشر دانش (زمستان ۱۳۸۲)، شمارهٔ پیاپی ۱۰۷.
- بحرالعلومی، حسین، اهتمام در تصحیح و چاپ دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، تهران: دهخدا، ۱۳۴۸.
- عظیمی، میلاد، سفینه و بیاض و جنگ: مقاله‌های سفینه‌پژوهی ایرج افشار، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- میرافضلی، سیدعلی، «بررسی نزهة‌المجالس»، در: معارف، ش ۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۶)، شمارهٔ پیاپی ۴۰.

سلغری است سه جا از اصفهان نام می‌برد و از یک بیت آن تصریحاً برمی‌آید که مقیم اصفهان بوده است. می‌گوید: چون همه خلق دعاگوی تو شد پس چه زیان / که ترا مادحی از خاک سپاهان باشد» (همان: ۲۱). با توجه به این که دانستیم این شعرها از کمال اسماعیل است، هم سکونت این شخص در اصفهان و هم این که «سلطان دین مسعودشاه» نیز از اتابکان لر کوچک باشد، مورد تردید قرار می‌گیرد. دربارهٔ تاریخ کتابت نسخه نیز نوشته‌اند:

کتابت این نسخه به دلالت شیوهٔ خط و مقایسهٔ آن با نسخه‌هایی که در قرن هشتم می‌شناسیم نمی‌تواند از اوائل قرن هفتم باشد. این نظر تأییدشدنی خواهد بود با توجه به نکات تاریخی مندرج در اشعار و سنوات وفات شاعران. زیرا به‌طوری که خواهیم دید، در پنج قصیدهٔ فخرالدین عمر رازی معروف به «سیفی» مدح سلغریان فارس (سعدبن زنگی و ظاهراً ابوبکر قتلغ بن سعد و محمدشاه) یعنی پیش از سال ۵۹۹ تا ۶۶۱ آمده است. همچنین از مسعودشاهی یاد شده است که به احتمال زیاد از اتابکان لر کوچک در شمار و از ۶۴۰ تا ۶۵۸ در سلطنت برقرار بود و ذکر همهٔ این شعرا با دعای «رحمه الله» آورده شده است مگر در مورد شمس‌الدین اقطع بلیقانی. با احتمال به اینکه سیفی رازی چندی پس از ممدوحان خود در حیات بوده است، کتابت نسخه قاعدتاً زودتر از اواخر قرن هفتم نبوده است. با اینکه اغلب سفینه‌ها کتابت کسی است که جامع آن است شاید این نسخه از روی مجموعهٔ دیگری رونویس شده باشد.

